

## تحلیلی بر نقش بازارچه‌های مشترک مرزی در ارتقای امنیت مناطق مرزنشین (مطالعه

### موردی بازارچه‌های مرزی سردشت و پیرانشهر)

رزگار حمزه پور<sup>۱</sup>، دکتر سیروس فخری<sup>۲</sup>

#### چکیده

بازارچه‌های مرزی به عنوان یکی از اهرم‌های مهم در ایجاد اشتغال و توسعه فعالیت‌های اقتصادی مطرح بوده و یکی از ویژگی‌های تشکیل بازارچه‌های مرزی مسئله امنیت است. بازارچه‌های مرزی با توجه به ساختارشان توانسته‌اند مسئله امنیت مرزها را تا حدودی برآورده نمایند و این مسئله روی شرایط اقتصادی مناطق مرزی تأثیر به‌سزایی داشته است. نوشتار حاضر حاصل پژوهشی میدانی از اثرات بازارچه‌های مرزی سردشت و پیرانشهر در استان آذربایجان غربی بر ارتقای امنیت مناطق مرزنشین است که با استفاده از روش تحقیق کمی صورت گرفته است. روش انجام آن در بخش نظری، کتابخانه‌ای و اسنادی و در بخش عملی، پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه می‌باشد. در روش اسنادی از فیش، اسناد و گزارش‌های اداری، مقالات مؤسسات و وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های ذیربط و در شیوه میدانی از پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده همراه با مشارکت استفاده شده است. در این بررسی دو بازارچه «کیله» و «تمرچین» به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند تا بررسی دقیق روی آنها انجام بگیرد. مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته نشان داد که امنیت و توسعه در مناطق مورد بررسی با ضریب همبستگی بالا، دارای رابطه‌ای مستقیم و دو سویه با یکدیگر بودند، به گونه‌ای که طبق نظریات امنیت توسعه، مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه اقتصادی، از ضریب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته برخوردارند؛ بنابراین توجه به توسعه و امنیت مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی، با حمایت و سرمایه‌گذاری دولت‌ها بر کارکرد امنیتی مرز و مرزنشینان تأثیر مثبت دارد.

**واژگان کلیدی:** مرز، مناطق مرزی، امنیت، وضعیت رفاهی، بازارچه مشترک مرزی

۱. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان

دانشگاه آزاد اسلامی واحد سردشت وارومیه (نویسنده مسئول) ✉ Rezgar.hamzapor@yahoo.com

۲. استادیار جغرافیا، دانشگاه عالی دفاع ملی

## مقدمه و تبیین مسئله

طبیعت منزوی و غیر حاصل خیز مناطق مرزی به خصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی ایران، پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی، زمینه‌ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌های وقت بوده است. ناتوانایی‌های بالقوه در تولید، فقدان اشتغال، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، عمده‌ترین مشخصه اقتصادی<sup>۰</sup> اجتماعی این مناطق است که زمینه را برای تخلیه این مناطق فراهم می‌آورد (سازمان مدیریت، ۱۳۷۸: ۴۹). بنابراین خالی شدن مرزها از سکنه و مهاجرت مرزنشینان به شهرهای بزرگ بر اثر فقدان انگیزه‌های لازم برای زندگی در این مناطق در گذشته تقریباً روند رو به افزایشی داشته است که تأثیر آن در امنیت مرزها به وضوح قابل لمس بود (وزارت بازرگانی، ۱۳۷۹: ۱).

با این وجود برای ایجاد امنیت در ۸۷۵۵ کیلومتر از مرزهای ایران با کشورهای همجوار، حضور مردم در مناطق مرزی ضروری است. توجه به طول مرز آبی جنوب (۱۸۸۰ کیلومتر) و مرز خاکی شرق (۱۷۱۶ کیلومتر) و غرب کشور (۱۸۲۴ کیلومتر) روشنگر این واقعیت است که اولاً کنترل این مرزها با توجه به شرایط اقلیمی با یکدیگر متفاوت است و ثانیاً تأمین امنیت آن بدون اتکای به مساعدت مرزنشینان امری مشکل می‌باشد (همان، ۱۳۷۹: ۵).

از آنجا که حفاظت از مرزهای هر کشور از مسائل مهم حکومت است، دولت‌های یک‌صد ساله اخیر حاکم بر کشورمان سیاست‌های متعددی را برای جلوگیری از مهاجرت مرزنشینان اتخاذ نموده‌اند. این سیاست‌ها عمدتاً به منظور کاهش بحران بیکاری، فقر، مفسد گوناگون اجتماعی، ایجاد اشتغال، برقراری عدالت اجتماعی، کاهش انگیزه‌های مهاجرت و ... بوده است. دیگر اینکه توجه به امور اقتصادی مردم به نوعی در خدمت اهداف سیاسی بوده است؛ زیرا رفاه اقتصادی مردم را ترغیب به ماندن در مرزها نموده و حفاظت از مناطق مرزی را برای حکومت تسهیل می‌کرده است. همچنین مرزنشینان به هنگام بروز بحران‌های سیاسی مثل جنگ، مدافعان اولیه و اصلی حدود و ثغور کشور می‌باشند. به این دلیل مسائل مردم مناطق مرزی نیز در کانون توجه آنان قرار می‌گیرد.

بنابراین اگر فرآیند توسعه را کوششی هوشمندانه برای ارتقای سطح کیفی زندگی مردم بدانیم، باید اذعان داشت که نیاز کشوری همچون ایران به فرآیند توسعه به توسعه مناطق مرزی و محروم بسیار مشهود است. ایران برخوردار از استان‌ها و شهرستان‌های متعدد مرزی

است که نوع تعامل مرزی ساکنان این مناطق با مردمان آن سوی مرز تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی ویژه‌ای را رقم خواهد زد. ساماندهی به این تعاملات جزء در پرتو مدیریت هوشمندانه که ضامن بقا و حفظ تمامیت ارضی و استقلال اقتصادی و امنیت کشور می‌باشد، میسر نیست و توسعه یکی از شقوق این مدیریت است. بحث بازارچه‌های مرزی به عنوان یک نهاد نوپای اقتصادی از نقطه نظر آثار و عواقبی که با عملکرد چند ساله خود در کل ساختار اقتصادی کشور به جا گذاشته‌اند، در مناطق مرزی در کانون توجه قرار گرفته‌اند (سازمان مدیریت، ۱۳۷۸: ۱).

گسترده‌گی طول مرزهای کشور و کوهستانی و صعب‌العبور بودن مرزها در بیشتر نقاط، عملیات مرزبانی و کنترل مرزها را بدون مساعدت مرزنشینان مشکل کرده که این خود یکی از عوامل گسترش قاچاق و دشواری مبارزه با آن می‌باشد. امروزه عدم کنترل و عملیات پنهان قاچاق کالا موجب شده است تا دولت‌ها در سالم‌سازی مناطق مرزنشین به شیوه‌های نوینی از همکاری‌های منطقه‌ای هدایت شوند. این گونه همکاری‌ها در قالب بازارچه‌های مشترک مرزی از شناخته‌ترین روش‌های توسعه اقتصادی مناطق مرزنشین به شمار می‌رود (فخرفاطمی، ۱۳۸۳: ۲) که در نوع خود تحولی بنیانی در تولید، اشتغال، تثبیت جمعیت مرزنشین، افزایش سطح درآمد و به تبع آن افزایش رفاه و در نهایت به یک توسعه پایدار ناحیه‌ای که از جمله اهداف این بازارچه‌ها بوده، ایجاد می‌نماید. همچنین فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای شکوفایی و توسعه صنایع دستی و محلی، کاهش حجم قاچاق کالا، اهداف امنیتی و اجتماعی به عنوان اهداف بازارچه‌های مرزی قلمداد شده‌اند (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱: ۹-۸).

ایجاد اشتغال در مناطق مرزی، گردش نقدینگی، جریان داد و ستد تجاری، تأمین امنیت اقتصادی، ایجاد امنیت سیاسی مرزهای زمینی، ایجاد امنیت اجتماعی، افزایش تولید، افزایش سرمایه‌گذاری محلی و خارجی از مهمترین اهدافی هستند که بازارچه‌های مرزی حول آنها شکل گرفته‌اند. در راستای این اهداف ایجاد بازارچه‌های مشترک مرزی تا حدودی علاوه بر سرعت بخشیدن به تجارت در امر صادرات غیرنفتی در رشد و شکوفایی و توسعه اقتصادی استان نیز مؤثر بوده است و نیز کمک بزرگی در اشتغال‌زایی منطقه داشته است. بنا بر مسائل فوق و با توجه به اهمیت مناطق مرزی و وجود مسائلی از قبیل تراکم کم جمعیت و پراکندگی آن، وجود جمعیت‌های متحرک در این مناطق و کمبود زیرساخت‌های توسعه و ضعف بنیان‌های اقتصادی، محرومیت و توسعه نیافتگی شدید و وضعیت نامتعادل و نابرابر اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی این مناطق با مناطق مرکزی به علاوه وجود قومیت‌های متنوع در مناطق مرزی و وجود ساختارهای سیاسی وابسته به قدرت‌های خارجی، همچنین تحمیل هزینه‌های سنگین مادی در ایجاد امنیت و به خطر انداختن سرمایه‌های ملی در این مناطق و توجه مسئولان کشور به توجه بیش از حد به این مناطق و با عنایت به انواع فقر (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در این مناطق لزوم شناسایی مسائل و مشکلات، همچنین پتانسیل‌های توسعه این مناطق به نحو بارزی نمایان می‌شود. همچنین فرض بر این است که ایجاد بازارچه‌ها عامل مهمی در جهت ایجاد ثبات و کنترل اجتماعی به شمار می‌روند، لذا اقدام سیاستی دولت در جهت زدودن فقر و تأمین امنیت و جلوگیری از تنش و بی‌ثباتی سیاسی در قالب ایجاد بازارچه‌های مرزی و میزان موفقیت آن امری مهم تلقی می‌گردد. بر این اساس مسئله حفظ و گسترش امنیت مناطق مرزی، به ویژه در کشورهایی که دارای مرز مشترک طولانی با همسایگان خود هستند، همواره مورد توجه و حساسیت مسئولان امور بوده است و بدین منظور راهکارهای گوناگونی اندیشیده شده است.

در برخی کشورها برای حفظ و گسترش امنیت مناطق مرزی به راهکارهای نظامی‌گرایانه روی آورده و سعی نموده‌اند که امنیت مرزها را از طریق تقویت نیروهای نظامی مستقر در مرزها و کنترل‌های شدید امنیتی برقرار نمایند. اما این راهکارها به علل گوناگون چندان کارآمد نبوده و به نتایج مثبتی منجر نشده‌اند. بنابراین در دهه‌های اخیر راهکارهای دیگری بدین منظور مطرح شده‌اند. راهکارهایی که نه بر نیروی نظامی، بلکه بر نیروهای اجتماعی و اقتصادی تکیه دارند. ایجاد و گسترش سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی در مناطق مرزی یکی از این راهکارهای نوین است، دیدگاه‌های نوین در زمینه حفظ و گسترش امنیت مناطق مرزی بر اهمیت و ضرورت راهبرد توسعه پایدار مناطق مرزی تأکید دارند. این دیدگاه‌ها برآنند که با گسترش سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در مناطق مرزی می‌توان امنیت پایدار را در این مناطق تضمین نمود. در این چهارچوب، راهبرد توسعه پایدار مناطق مرزی مطرح شده و مورد تأکید قرار گرفته است. به عبارت دیگر امروزه عدم کنترل و عملیات پنهان قاچاق کالا موجب شده است تا دولت‌ها در سالم‌سازی مناطق مرزنشین، به شیوه‌های نوینی از همکاری‌های منطقه‌ای هدایت شوند. این گونه همکاری‌ها در قالب بازارچه‌های مشترک مرزی، از شناخته‌ترین روش‌های توسعه اقتصادی مناطق مرزنشین به شمار می‌رود که در نوع خود، تحولی بنیادی در تولید، اشتغال، تثبیت جمعیت مرزنشین، کاهش قاچاق، افزایش سطح درآمد

و به تبع آن، افزایش رفاه، شکوفایی و توسعه صنایع دستی و محلی، کاهش حجم قاچاق کالا، اهداف امنیتی، از جمله تأمین امنیت اقتصادی، ایجاد امنیت سیاسی مرزهای زمینی، ایجاد امنیت اجتماعی و در نهایت یک توسعه پایدار ناحیه‌ای که از جمله اهداف این بازارچه‌های مرزی بوده، ایجاد می‌نماید.

بازارچه‌های مرزی به عنوان یکی از اهرم‌های مهم در ایجاد اشتغال و توسعه فعالیت‌های اقتصادی مطرح بوده و در طی سال‌های اخیر تأثیر قابل توجهی در توسعه روابط تجاری ایران با کشورهای همسایه داشته‌اند. از مزایای احداث این بازارچه‌ها می‌توان به ایجاد مزیت‌های نسبی در تولید و فعالیت‌های بازرگانی در دو سوی مرز، مناسبات دو کشور و ایجاد اشتیاق در کشورهای همسایه جهت توسعه مبادلات و بهبود روابط تجاری با ایران اشاره کرد. تأمین سطح مطلوب اشتغال در محل استقرار بازارچه‌ها و جمع‌آوری و هدایت سرمایه‌های راکد به سمت تجارت و بازرگانی، افزایش امنیت منطقه، کاهش روند قاچاق کالا، رشد و توسعه اقتصادی مناطق مرزی و تأمین مایحتاج ضروری مرزنشینان از دیگر مزایای احداث بازارچه‌ها و پایانه‌های مرزی است.

بر اساس بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته، امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا، دارای رابطه‌ای مستقیم و دو سویه با یکدیگر می‌باشند. به گونه‌ای که مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه اقتصادی، از ضریب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته برخوردارند. از آنجا که مناطق مرزی از مرکز دور می‌باشند و همواره با تهدید محرومیت و حاشیه‌ای بودن روبرو هستند، توجه به توسعه و امنیت مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی، با حمایت و سرمایه‌گذاری دولت‌ها، بر کارکرد امنیتی مرز و مرزنشینان تأثیر مثبت دارد.

در جهت مقابله با مسائل امنیتی، مشکلات اقتصادی و زدودن پدیده قاچاق کالا در مناطق مرزنشین، دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۷ به طور غیررسمی و در سال ۱۳۷۲ به طور رسمی اقدام به تأسیس بازارچه‌های مشترک مرزی نمود که در حال حاضر تعداد این بازارچه‌ها به ۵۲ بازارچه در سطح کشور رسیده است که استان آذربایجان غربی با داشتن هشت بازارچه مشترک مرزی، دارای بیشترین تعداد بازارچه در سطح کشور می‌باشد. این بازارچه‌ها بر اساس تفاهم‌نامه‌های منعقد شده بین مسئولان کشورهای دو طرف بازارچه شکل گرفته و به موجب این تفاهم‌نامه‌ها دو کشور در نقاط مرزی یکدیگر می‌توانند به انجام مبادلات در داخل

بازارچه‌ها اقدام نمایند. ایجاد اشتغال در مناطق مرزی، گردش نقدینگی، جریان داد و ستد تجاری، تأمین امنیت اقتصادی، ایجاد امنیت سیاسی مرزهای زمینی، ایجاد امنیت اجتماعی، افزایش تولید، افزایش سرمایه‌گذاری محلی و خارجی از مهمترین اهدافی هستند که بازارچه‌های مرزی حول آنها شکل گرفته‌اند.

با توجه به اینکه نزدیک به دو دهه از تأسیس و شکل‌گیری بازارچه مرزی در دو شهر سردشت و پیرانشهر می‌گذرد، محقق در نظر دارد امنیت این دو شهر مرزی را به عنوان یکی از اهداف بازارچه مرزی بررسی و ارزیابی کند و نیز اینکه بازارچه‌های مرزی در دو شهر سردشت و پیرانشهر تا چه حد در ارتقای امنیت مناطق مرزنشین نقش داشته‌اند. بازارچه‌های بررسی شده در این تحقیق بازارچه‌های کیله و تمرچین نام دارند که به ترتیب در فاصله‌های ۲۱ و ۱۱ کیلومتری شهرستان‌های سردشت و پیرانشهر و در نقطه صفر مرزی بین ایران و عراق قرار گرفته‌اند. این بازارچه‌ها دو از ۸ بازارچه مرزی دایر در استان آذربایجان غربی بوده و در حال حاضر نزدیک به دو دهه از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی این بازارچه‌ها می‌گذرد. حال با توجه به آنچه گفته شد، این سؤال مطرح می‌شود: بازارچه‌های مشترک مرزی در دو شهر سردشت و پیرانشهر چه نقشی در ارتقای امنیت مردم مناطق مرزنشین ایفا نموده‌اند؟ یا اینکه آیا بازارچه‌های مشترک مرزی در کاهش تنش سیاسی و ایجاد امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مناطق مرزنشین تأثیر مثبتی داشته‌اند؟ پژوهش حاضر با احساس این ضرورت انجام گرفته و در آن سعی گردیده است تا میزان اثرگذاری این بازارچه‌ها به عنوان یک پدیده اقتصادی بر متغیرهای امنیتی (امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) ارزیابی گردد.

## فرضیه‌های تحقیق

### فرضیه اصلی تحقیق

به نظر می‌رسد استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی کیله و تمرچین توانسته است تأثیر مثبتی در ارتقای امنیت اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی سردشت و پیرانشهر داشته باشد.

### فرضیه‌های فرعی:

به نظر می‌رسد بازارچه‌های مشترک مرزی در افزایش امنیت اقتصادی منطقه تأثیر مثبتی داشته‌اند؛

به نظر می‌رسد بازارچه‌های مشترک مرزی در افزایش امنیت اجتماعی منطقه تأثیر مثبتی داشته‌اند؛

به نظر می‌رسد تشکیل بازارچه‌ها در ادامه سکونت مرزنشینان در نقاط مرزی و جلوگیری از مهاجرت آنان تأثیر مثبت داشته است؛

به نظر می‌رسد ایجاد بازارچه‌های مشترک مرزی در کاهش حجم اقتصاد غیررسمی و سالم‌سازی مبادلات مرزی تأثیر مثبتی داشته‌اند؛

به نظر می‌رسد استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی در ارتقای شغلی و افزایش اشتغال غیرمستقیم (حمل و نقل بار و مسافر، عملیات بارگیری، مغازه‌ها، امور خدماتی و ...) مرزنشینان تأثیر مثبتی داشته‌اند؛

به نظر می‌رسد استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی در افزایش درآمد مرزنشینان تأثیر مثبتی داشته‌اند؛

به نظر می‌رسد استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی در تأمین کالاهای مورد نیاز مرزنشینان تأثیر مثبتی داشته‌اند.

### پیشینه تحقیق

رحیمی (۱۳۸۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بازتاب فضایی تحول کارکرد مرز» به دنبال پاسخگویی به این سؤال بوده که بازگشایی مرز جلفا چه تأثیرات فضایی در محدوده شهرستان جلفا به دنبال داشته است؟ پس از تجزیه و تحلیل سؤال پژوهش این نتیجه حاصل شد که بازگشایی مرز جلفا در توسعه کالبدی شهر جلفا، توسعه شبکه‌های ارتباطی و حمل و نقل، تغییر ساختارهای سیاسی فضا، توسعه ساختارهای اقتصادی (صنعت، کشاورزی و خدمات) و تحول در کارکرد امنیتی نیروهای امنیتی انتظامی و مرزبانی شهرستان جلفا مؤثر بوده است.

جمال عبدالله‌پور (۱۳۸۴) در پایان‌نامه کارشناسی از دیدگاه انسان‌شناختی به پدیده تجارت مرزی در روستاهای مرزنشین شهرستان سردشت پرداخته است. در این تحقیق تجارت مرزی مهمترین شیوه معیشتی در مناطق روستایی مورد مطالعه تلقی شده است. رحمانی فضلی و سعیدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «پیوستگی توسعه و امنیت مناطق مرزی؛ جستاری در مفهوم‌شناسی» خصوصیات و امکانات فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران را برشمرده

است که به لحاظ درونی و بیرونی با شرایط متنوعی روبرو است که این شرایط به لحاظ توسعه و امنیت، فرصتهایی را پیش رو قرار می‌دهد، اما در عین حال زمینه‌ساز پاره‌ای دل‌مشغولی‌های جدی هم بوده است. این پژوهش سعی دارد تا با بررسی اهمیت و جایگاه عرصه‌های سکونتگاهی مناطق مرزی، بر پیوستگی توسعه و امنیت در این گونه مناطق تأکید ورزد. روش‌شناسی این مقاله به لحاظ نظری بر ضرورت اتخاذ برنامه‌ریزی فضایی و رویکرد توسعه یکپارچه بوده است.

عندلیب و مطوف (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران» ضمن تبیین جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه‌ریزی کشور، شناخت عناصر و مؤلفه‌های آن، چگونگی ارتباط این عناصر با دیگر عناصر نظام برنامه‌ریزی کشور و شناخت اهمیت و ضرورت پرداختن به آمایش مناطق مرزی را مورد توجه قرار می‌دهد. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه و امنیت در مناطق مرزی لازم و ملزوم یکدیگر هستند. همچنین، شدت عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق داخلی در ایران بر توسعه ملی تأثیرگذار است. علمدار و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل نقش بازارچه‌های مرزی در گسترش امنیت مناطق مرزی (نمونه موردی: بازارچه مرزی ماهی‌رود شهرستان سربیشه خراسان جنوبی)» به بررسی تأثیر بازارچه مرزی ماهی‌رود سربیشه بر امنیت مناطق مرزی مزبور پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که با فعالیت بازارچه مرزی ماهی‌رود سربیشه از میزان قاچاق سوخت، کالا و قاچاق مواد مخدر به نحو چشمگیری کاسته شده است. از سویی فعالیت این بازارچه منجر به تحکیم روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی دو استان خراسان جنوبی و ولایت فراه افغانستان و در نهایت منجر به بهبود توسعه و امنیت در مناطق مرزی این استان شده است.

کریمی و وفایی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «امنیت سازی با توسعه پایدار در مناطق مرزی (مطالعه موردی: شهر مریوان)» سعی دارند که با معرفی توسعه پایدار مناطق مرزی با عنوان راهبرد اساسی حفظ و گسترش امنیت مناطق مرزی به بررسی مناطق مرزی مریوان بر اساس این دیدگاه بپردازد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که توسعه پایدار ارمغان امنیت و امنیت پایدار ارمغان توسعه است و امکانات در منطقه مطابق الگوی مناسب توزیع نشده و در جهت تحقق توسعه پایدار نمی‌باشد. الیاسی و احمدپور (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «نقش



بازارچه‌های مرزی بر امنیت منطقه‌ای (مطالعه موردی: بازارچه مرزی باشماق مریوان)» به تجزیه و تحلیل سؤال پژوهش که «آیا توسعه بازارچه مرزی می‌تواند در امنیت منطقه تأثیرگذار باشد؟» پرداختند که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه و مشاهده) در منطقه باشماق مریوان و انجام مصاحبه با مسئولان منطقه به این نتیجه رسیدند که توسعه بازارچه باشماق مریوان در امنیت منطقه تأثیرگذار است.

## معرفی اجمالی بازارچه‌های مورد بحث: مشخصات و امکانات

### بازارچه مشترک مرزی "تمرچین" پیرانشهر

این بازارچه در ۱۱ کیلومتری شهرستان پیرانشهر در نقطه مشترک مرزی بین ایران و عراق در محل روستای تمرچین واقع گردیده که به دلیل حساسیت جغرافیایی، اقتصادی و امنیتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به همین دلیل در زمره بازارچه‌های امنیتی استان قرار گرفته است و سهمیه پیمان ارزی آن ۲۰ میلیون دلار می‌باشد. این بازارچه در سال ۱۳۷۴ افتتاح گردید و با داشتن مساحتی برابر ۲۵۰۰۰ متر مربع دارای ۳۶ غرفه است. این بازارچه دارای ساختمان اداری، بانک، سالن غذاخوری، باسکول، آب و برق و تلفن است. عمده کالاهای صادراتی این بازارچه عبارتند از: سیمان، صنایع فلزی، میلگرد، مواد غذایی، بیسکویت، لوازم برقی، لوازم صنعتی، مصالح ساختمانی، سیب درختی، آلو، هلو، فرش ماشینی، نوشابه، شیشه و... عمده کالاهای وارداتی نیز عبارتند از: ماشین آلات سنگین و قطعات و لوازم آنها، لوازم صوتی و تصویری، جاروبرقی و سایر لوازم خانگی. با عنایت به میل خرید کالاهای ایرانی در شمال عراق و با توجه به تسهیلات ایجاد شده در مرز تمرچین پیرانشهر، در حال حاضر به طور متوسط روزانه حدود ۲۰۰ کامیون کالای ایرانی از طریق این مرز به عراق صادر می‌گردد. با توجه به تحویل و تخلیه بارها در محوطه بازارچه به همین تعداد یعنی ۲۰۰ کامیون عراقی جهت تخلیه و بارگیری کالاهای صادراتی مزبور به سمت بازارچه ایرانی وارد می‌شوند. با این اوصاف به طور متوسط روزانه جمعاً ۴۰۰ دستگاه کامیون اعم از کامیون‌های ایرانی و عراقی به این بازارچه وارد می‌شوند. با عنایت به آمار و ارقام موجود و مقایسه‌های انجام شده از نظر ارزشی، از کل صادرات بازارچه‌ای کشور ۱۹/۸ درصد آن مربوط به صادرات بازارچه مرزی تمرچین پیرانشهر بوده که از نظر حجم و ارزش در بین بازارچه‌های مرزی کشور رتبه نخست را به خود اختصاص داده است (سعیدی، ۱۳۹۲: ۹۵-۹۴).

## بازارچه مشترک مرزی "کیله" سردشت

این بازارچه در سال ۱۳۷۵ افتتاح گردید و آخرین و جنوبی‌ترین بازارچه‌ای است که در مرز مشترک جمهوری اسلامی ایران و عراق در محل روستای کیله واقع گردیده است. این بازارچه با شهرستان سردشت ۱۴ کیلومتر فاصله دارد و فاصله آن تا اولین شهر آن سوی مرز ۱۳ کیلومتر است. بازارچه سردشت نیز همانند بازارچه تمرچین بازارچه امنیتی است و سهمیه پیمان ارزی آن ۲۰ میلیون دلار می‌باشد.

این بازارچه با داشتن مساحتی برابر با ۶۰۰۰ متر مربع دارای ۴۶ غرفه بوده و در حال حاضر ۹ تعاونی با ۲۲۵۰ نفر عضو به صورت پیمانه‌ای و انفرادی در آن مشغول فعالیت می‌باشند. بازارچه سردشت دارای ساختمان اداری، سالن غذاخوری و نمازخانه است.

عمده کالاهای صادراتی این بازارچه عبارتند از: مواد غذایی، مصالح ساختمانی، ظرف پلاستیکی، صنایع دستی از قبیل فرش و مصنوعات چوبی.

عمده کالاهای وارداتی نیز عبارتند از: لوازم خانگی صوتی و تصویری، جاروبرقی، لوازم یدکی، ماشین آلات سبک و سنگین، دستگاه کپی و ... (همان، ۱۳۹۲:۹۶-۹۵).

## مبانی نظری تحقیق

### اهداف تشکیل بازارچه‌های مشترک مرزی

تأسیس بازارچه‌های مرزی و توسعه مبادلات از طریق این واحدها عمدتاً به استناد ماده ۱۱ قانون مقررات و صادرات (ماده ۱۱ قانون مقررات صادرات و واردات به دولت وقت اختیار می‌داد با تشخیص مصلحت و رعایت اولویت‌هایی مانند استعدادهای محلی، ضرورت و میزان ایجاد اشتغال و توسعه روابط تجاری با کشورهای همجوار نسبت به تأسیس بازارچه‌های مرزی اقدام نماید) (قانون مقررات صادرات و واردات، ۱۳۴۴:۸۹). و با اولویت دادن به هدف‌های زیر صورت گرفته است:

- ۱- ایجاد زمینه‌های اشتغال؛
- ۲- تأمین نیازهای کالایی مردم مرزنشین؛
- ۳- کاهش قاچاق مرزی؛

۵- تثبیت جمعیت مرزنشین در نواحی مرزی و در این راستا افزون‌سازی ضریب امنیت در نقاط راهبردی؛

۶- رونق بخشیدن به اقتصاد مناطق مرزنشین؛

۷- وقوف بر امکانات بالقوه تجاری کشورهای همسایه و گشودن باب مراودات با آنها.

جدا از اهداف ذکر شده، وزارت کشور در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۸ گزارشی را در خصوص علل توجیه ایجاد بازارچه‌های مرزی در مناطق مختلف کشور به هیأت وزیران ارائه داد که از خلال آن می‌توان به برخی دیگر از اهداف عمده ایجاد بازارچه‌های مرزی مانند جلوگیری از مهاجرت، اهداف امنیتی، اهداف اجتماعی، فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای شکوفایی و توسعه صنایع دستی و محلی، کاهش حجم قاچاق کالا و... به عنوان اهداف تأسیس بازارچه‌های مرزی قلمداد شده‌اند (وزارت امور اقتصادی و دارایی، بی‌تا، ۱۳۷۵: ۹-۵).

### دیدگاه‌های راجع به امنیت و توسعه در مناطق مرزی

دولت‌های ملی همواره درصدد استقرار امنیت داخلی برای حفظ و پیشرفت نظام هستند. تردیدی نیست که بدون وجود امنیت، هیچ برنامه‌ای در کشور قابل اجرا نیست. شکوفایی اقتصاد کشور، سرمایه‌گذاری، طراحی برای توسعه، برنامه‌ریزی طرح‌های رفاهی و هر گونه فعالیتی که به زمینه آرام و مطمئن در سطوح مختلف جامعه نیاز داشته باشد، همه و همه در گروی تأمین امنیت است. در واقع امنیت در زمره اهداف، منافع و ارزش‌های اصولی و پایدار جامعه است (کاظمی، ۱۳۷۲: ۱۱۷). هر کشوری برای تضمین امنیت خارجی نیاز به حد معینی از ثبات سیاسی و امنیت داخلی دارد. این امر خود تا حدود زیادی مستلزم توسعه اقتصادی است. عقب‌ماندگی و عقب‌افتادگی‌های اقتصادی در واقع نوعی ناامنی است؛ زیرا موجودیتش بحران داخلی و ترغیب مداخلات خارجی است (مصلی، ۱۳۸۲: ۵۴).

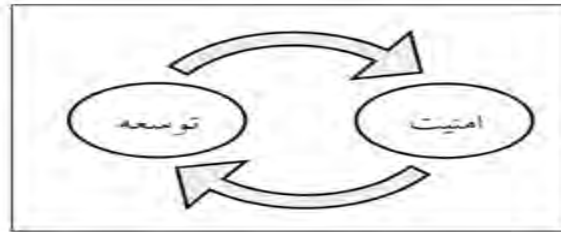
## جدول ۱: سه دیدگاه راجع به امنیت و توسعه در مناطق مرزی

این نگرش قائل به انجام توسعه در بستر «امنیت» در مناطق مرزی می‌باشد. بر این اساس نخست باید امنیت برقرار باشد تا در مرحله دوم توسعه صورت گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۵۶).	تقدم امنیت بر توسعه	دیدگاه اول
این نگرش معتقد به تحقق امنیت از طریق توسعه است. محور اعتقاد بر این نظریه استوار است که از طریق توسعه می‌توان به امنیت رسید (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۳).	تقدم توسعه بر امنیت	دیدگاه دوم
در این نگرش، عقیده غالب بر آن نیست که امنیت و توسعه بر یکدیگر مقدم‌اند، بلکه ارتباط هم‌عرض و هم‌سنگ توسعه و امنیت برای آن حایز اهمیت است (عندلیب، ۱۳۷۹: ۱۳).	درک متقابل توسعه و امنیت	دیدگاه سوم

منبع: (نگارندگان)

همان گونه که در جدول بالا مشاهده می‌کنید، موافقان دیدگاه اول (تقدم امنیت بر توسعه) امنیت را شرط لازم و اساسی برای توسعه می‌دانند. معتقدان به این دیدگاه با برتری امنیت، توسعه را ابزار تحقق امنیت می‌دانند، اما معتقدان به دیدگاه دوم (تقدم توسعه بر امنیت)، اولویت اصلی را توسعه می‌دانند و برای امنیت اولویت دومی قائل می‌شوند، محور دیدگاه دومی بر این عقیده استوار است که توسعه نیافتگی عامل اصلی ناامنی است. بر این اساس برای تحقق امنیت در مناطق مرزی ابتدا باید توسعه به آن مناطق وارد شود و سپس نتایج توسعه، در تحقق و استقرار امنیت کمک کند. به طور کلی می‌توان از توسعه به عنوان ابزار برقراری امنیت در این مناطق استفاده کرد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۳). دیدگاه سوم (درک متقابل امنیت و توسعه)؛ معتقدان به این دیدگاه، امنیت و توسعه را هم‌تراز، هم‌سنگ و در ارتباط با یکدیگر می‌دانند که از این لحاظ نسبت به دو دیدگاه قبلی جامع‌تر و ارجحیت بیشتری دارد. بر اساس این دیدگاه و همچنان که در شکل ۱ مشاهده می‌کنید می‌توان گفت که امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا رابطه‌ای مستقیم، متقابل و دوسویه با یکدیگر دارد. به عبارت دیگر

توسعه و امنیت تأثیرات متقابلی در مناطق مرزی بر هم دارند؛ به گونه‌ای که هر اقدامی در فرآیند تحقق توسعه و رفاه ساکنان مناطق مرزی تأثیرات مستقیمی بر فرآیند تحقق امنیت آن منطقه و به تبع آن امنیت ملی دارد و بر عکس (همان، ۱۳۸۰: ۱۹۷-۱۹۶).



شکل ۱: روابط متقابل امنیت و توسعه (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۷)

از این رو با توجه به اهداف و نتایجی که از پژوهش حاضر به دست آمده است، این دیدگاه (درک متقابل توسعه و امنیت) با موضوع پژوهش سنخیت و همخوانی بیشتری دارد و نگرش مناسبی برای موضوع پژوهش است.

### آمایش سرزمین و جایگاه بازارچه‌های مرزی در آن

تردیدی نیست که یکی از مهمترین و اثرگذارترین مفروضات بر طرح آمایش سرزمین، موضوع چگونگی مناسبات کشور با سایر کشورها و نقش جایگاه آن در مقیاس بین‌المللی است. بدون داشتن یک دیدگاه مشخص نسبت به روابط ایران و چگونگی مناسبات اقتصادی و فرهنگی کشور با سایر کشورها (به ویژه کشورهای منطقه) طرح آمایش سرزمینی نمی‌تواند دارای تحول‌آفرینی مورد انتظار باشد. آمایش مناطق مرزی عبارت است از سازماندهی فضایی مناطق مرزی که به منظور بهره‌برداری مطلوب و مناسب از مزیت‌های این مناطق در راستای منافع ملی و در چارچوب توسعه و امنیت کشور. شایان ذکر است این امر از طریق توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در پهنه جغرافیایی مناطق مرزی امکان‌پذیر خواهد بود؛ به گونه‌ای که هر یک از این مناطق با قابلیت‌ها، نیازها، محدودیت‌ها و تهدیدات مربوط به امنیت و دفاع در آن از طیف مناسبی از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، نظامی و امنیتی برخوردار است و امکان رشد مادی و معنوی را برای ساکنان این مناطق فراهم سازد.

برای پیشبرد امر برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، آمایش سرزمین وظایف زیر را عهده‌دار است: تهیه طرح‌های توسعه و عمران منطقه‌ای و ناحیه‌ای با تأکید بر برنامه‌ریزی‌های یکپارچه توسعه شهری و روستایی؛

حفظ و نگهداشت جمعیت در محیط‌های روستایی و محروم مرزی متناسب با توان‌های محیطی از طریق توسعه بخش‌های نوین اقتصادی و ایجاد حرفه‌های جدید.

هدف‌های برنامه‌ریزی آمایش سرزمین درباره توسعه پایدار و وضع زندگی همگن ایجاب می‌کند که علاوه بر توجه به کارکردهای شهری، امکانات مردمی هم که در مناطق مرزی و محروم به سر می‌برند، بهبود یابد. در دهه‌های اخیر بسیاری از این مناطق بر اثر ایجاد تنوع در ساختارهای اشتغال آنها و استقرار بنگاه‌های جدید صنعتی و خدماتی، توسعه بسیار مثبتی داشته‌اند. در مواردی وضع زیرساخت‌ها نیز بهتر شده و عده زیادی را ماندگار در آن نواحی کرده است. با این حال هنوز در حاشیه مرزها مناطقی هستند که جمعیت خود را از دست می‌دهند. آمایش سرزمین توجه خاصی با این نواحی دارد (توفیق، ۱۳۸۴: ۳۲۶) از جمله گام‌های مشخص که برای حل مشکلات و ایجاد اشتغال و تثبیت جمعیت در مناطق مرزی برداشته شده، ایجاد بازارچه‌های مشترک مرزی با کشورهای همسایه بوده است.

با توجه به مباحث فوق جایگاه بازارچه‌های مرزی را در برنامه‌ریزی آمایش کشور می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱- بازارچه‌های مشترک مرزی به واسطه عملکرد فراملی تأثیر به‌سزایی در برنامه‌ریزی کالبدی مناطقی از دو سوی مرز، و مربوط به دو کشور همجوار دارد؛

۲- حمل و نقل و ترانزیت کالا به سمت داخل و خارج شبکه ارتباطی و مواصلاتی دو کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛

۳- با توجه به نقش مهم بازارچه‌ها در ایجاد اشتغال و تثبیت جمعیت، گام مثبت و مهمی در برنامه‌ریزی کشور محسوب می‌گردد (فخرطامی، ۱۳۸۳: ۳۳-۳۲).

### تحلیل مفهوم استنباطی مرز از دیدگاه نظریه مرکز - پیرامون

با بررسی اجمالی مناطق مرزی در مقایسه با مناطق مرکزی کشور می‌توان به شاخص‌های عمده‌ای از جمله انزوای جغرافیایی مناطق مرزی، دوری از قطب‌های صنعتی<sup>۵</sup> اقتصادی، قرار

گرفتن در حاشیه و پیرامون و همچنین توسعه‌نیافتگی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به مناطق مرکز کشور است. این مدل، نظام فضایی را به دو بخش مرکز و پیرامون تقسیم می‌کند و شکل‌گیری این روند را ناشی از فرآیند تاریخی می‌داند؛ به طوری که باز شدن اقتصادها به بازارهای جهانی با پیشرفت‌های فناوری در زمینه حمل و نقل و ارتباطات، توسعه نابرابر مناطق را تسریع کرد (ارکوت، ۱۹۹۷: ۸).<sup>۱</sup> مناطقی که دارای شرایط اولیه بهتری مانند نیروی کار ماهر، منابع طبیعی، ارزش زمینی ارزان و از نظر جغرافیایی به مناطق پیشتاز و مرکزی نزدیک‌تر بوده‌اند، سریع‌تر از دیگر مناطق، توسعه پیدا کرده‌اند و تفاوت‌های اقتصادی - اجتماعی میان مناطق بیشتر شدند. در حالی که مناطق مرکزی، مراکز اقتصادی و تصمیم‌گیری شدند، مناطق مرزی (پیرامون)، بیشتر در حال رکود قرار گرفته‌اند. این شرایط در ساختار فضایی سرزمین به شکل‌گیری الگوی مرکز-پیرامون منجر گردیده است (ارکوت و اوزگن، ۲۰۰۳: ۲۳).<sup>۲</sup> الگوی مرکز-پیرامون عبارت است از: دوگانگی در ساختار اقتصادی و توسعه فضایی میان مناطق. این شرایط تحت تأثیر قطبی شدن اقتصادی قرار می‌گیرد که ناگزیر به قطبی شدن جغرافیایی منجر می‌شود که به وسیله افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق خاص به وجود می‌آید (کوپس، ۲۰۰۱: ۵۴۶).<sup>۳</sup> این پیرامونی نه تنها در اقتصاد، بلکه در مفهوم فضایی نیز صادق است. مناطقی که دارای ساختار اقتصادی قوی‌تر، دسترسی به بازارهای جهانی و ارتباطات حمل و نقل بهتر و ارزان‌تر تغذیه می‌باشند، دارای شرایط مناسب مرکزی شدن بودند (لینکر، ۱۹۹۷: ۱۰).<sup>۴</sup>

مرکز، اغلب مکانی است که روندها و نوآوری‌ها در آن به وجود آمده و توزیع می‌شوند. به علاوه، دروازه‌هایی هستند که از طریق آنها، کشورها با بازارهای جهانی ارتباط پیدا می‌کنند. نظم اقتصادی امروزی، فرصت‌های زیادی برای غلبه بر نابرابری‌های منطقه‌ای در اقتصاد کشور قرار نمی‌دهد. نواحی پیرامونی که می‌توانند خود را با شرایط جدید دنیا وفق دهند، می‌توانند مانند نواحی مرکز رشد کنند. البته این شرایط بر کل نواحی پیرامونی که دارای اقتصاد ضعیف و

1. Erku.

2. Erku & ozgen.

3. Copus.

4. Linneker

متکی به بخش کشاورزی هستند، صدق نمی‌کند (کوپس، ۲۰۰۱: ۵۴۸).

مرزهای بین‌المللی کشورها، یکی از موانع در برابر بهبود مناطق پیرامونی هستند؛ زیرا به دلیل وجود مرزها الگوی فضایی جدا شده‌ای دارند. علاوه بر این، نبود زیرساخت‌های حمل و نقل مناسب در مناطق پیرامونی و مرزی، پیشرفت این مناطق را کاهش می‌دهد. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، فرآیند یکپارچگی و همکاری‌های بین مرزی، نظم اقتصادی و توسعه فضایی مناطق مرزی را تغییر می‌دهد. شهرهای نواحی مرزی که اغلب در مناطق پیرامونی قرار دارند و به لحاظ اقتصادی، شرایط نامساعدی دارند، بر اثر همکاری‌های بین مرزی، این شهرها نقطه ارتباط کشورها با یکدیگر از نظر زیرساخت‌های حمل و نقل و سرمایه‌گذاری‌های ارتباطی عمل می‌کنند. همکاری بین مرزی، موجب رونق و جمعیت‌پذیری و جذب سرمایه‌گذاری‌ها در این شهرها می‌گردد و اهمیت راهبردی این شهرها و تبدیل شدن آنها را به مراکز اقتصادی آشکار می‌سازد و تصمیم‌گیران سیاسی را به تجدید نظر در روابط خود با این شهرهای مرزی و پیرامونی وادار می‌کند تا زمینه توسعه و رشد این شهرها و مناطق پیرامونی را فراهم سازد. در واقع، این شهرها، به عنوان دروازه‌های اصلی ورودی کشورها به نواحی بین‌المللی هستند و می‌توانند به مناطق ارتباطی مهمی بدل شوند (واندروین، ۱۹۹۵: ۵۱).<sup>۱</sup>

در ارتباط این نظریه با بازارچه‌ها نکاتی چند قابل اهمیت است، از جمله:

۱- مرزها به دلیل واقع شدن در مناطق پیرامونی و دور از مرکز اول‌امورد بی‌توجهی کامل قرار می‌گیرند؛ زیرا امکان بهره‌برداری از منابع آنها کمتر از مناطق نزدیک به مرکز است. ثانیاً به دلیل بی‌توجهی، حداقل منابع موجود این مناطق نیز به سوی مناطق مرکزی یا مناطق نزدیک به آن تمایل می‌یابند؛

۲- به دلیل تأخیر، تأثیرپذیری و بهره‌برداری مناطق مرزی از مرکز منطقه، سرعت توسعه‌یافتگی در مناطق مرزی به کندی صورت می‌گیرد؛

۳- نواحی مرزی به واسطه انزوای جغرافیایی و توسعه نیافتگی و... تفاوت‌های فاحشی در سطح برخورداری از رفاه و توسعه با مراکز عمده جمعیتی دارند که این تفاوت‌های عمده منجر به گسست این دو ناحیه و ایجاد یک رابطه استثماری به نفع مرکز می‌شود. اما با ایجاد



بازارچه‌های مشترک در نقطه صفر مرزی که سبب ایجاد روابط تجاری و فرهنگی بین مرزنشینان دو سوی مرز می‌شود؛ شرایط جدیدی در منطقه مهیا گشته که زمینه‌ساز رفاه و توسعه این منطقه می‌گردد؛ به این صورت که:

الف) به منظور احداث بازارچه‌های مرزی دولت ملزم به سرمایه‌گذاری مناسب جهت ایجاد تأسیسات مربوط به بازارچه‌ها در ابعاد تجاری، گمرکی، رفاهی و... می‌باشد؛

ب) جهت ایجاد کشش و انگیزه برای جمعیت‌های مرزنشین دو سوی مرز، دولت ملزم به ایجاد زیر ساخت‌های مناسب از قبیل راه، ارتباطات، امکانات رفاهی - بهداشتی و... می‌باشد؛

ج) با توجه به اینکه در محدوده بازارچه و دروازه گذر مرزی اتباع خارجی تردد می‌نمایند و میزان سطح توسعه یافتگی مناطق مورد قضاوت و ارزیابی و مقایسه با شرایط حاکم بر آن سوی مرز توسط آنان قرار می‌گیرد، دولت جهت ایجاد برتری در رقابت موجود، خود را ملزم به رسیدگی جهت تقویت شاخص‌های توسعه در این محدوده مرزی دانسته و به آن مبادرت می‌ورزد.

مجموعه موارد فوق الذکر مبین توجه ویژه دولت و مراکز جمعیتی به سوی ناحیه مرزی می‌باشد که بر اساس آن رابطه نوینی بین مرکز و پیرامون برقرار می‌شود که با شرایط قبل کاملاً متفاوت است و منجر به ایجاد همگرایی، تثبیت جمعیت، توسعه و رفاه همگانی شده که در این صورت نگاه جمعیت مرزنشین به جای نگاه به خارج به سمت نگاه به درون و همگرایی معطوف می‌گردد (فخرفاطمی، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۴).

## روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از حیث روش پیمایشی می‌باشد. از آنجایی که در این تحقیق هدف بررسی نقش بازارچه‌های مرزی در ارتقای امنیت اجتماعی مرزنشینان است، تحقیق مورد نظر توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات ترکیبی از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای است. بدین ترتیب که برای تدوین ادبیات تحقیق، تنظیم چارچوب نظری و مدل عملیاتی از روش کتابخانه‌ای و برای پاسخگویی به سؤالات مورد نظر و آزمون فرضیه‌های تحقیق از روش میدانی استفاده شده است. کسب اطلاعات در مورد نمونه آماری به شیوه میدانی و از طریق پرسش‌نامه انجام گرفته است. همچنین تجزیه و تحلیل

داده‌ها در دو مرحله صورت گرفته است، در مرحله اول که تجزیه و تحلیل توصیفی است، داده‌ها جمع‌آوری به صورت جداول آمارتوصیفی و نمودار ترسیمی ستونی ارائه شده و در مرحله دوم تجزیه و تحلیل استنباطی می‌باشد که از تکنیک آزمون ضریب همبستگی پیرسون، فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار گرفته است و در هر مرحله به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار spss استفاده گردیده است. به عبارت دیگر روش پژوهش مورد استفاده روش کمی و پیمایشی است و ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه (باز و بسته) است. سؤالات با توجه به ماهیت و هدف آنها به سؤالات چند گزینه‌ای در یکی از سطوح اندازه‌گیری اسمی، رتبه‌ای و فاصله‌ای طراحی گردیده‌اند.

### روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات و مدل‌های آماری مورد استفاده

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها و سؤالات اساسی تحقیق در دو سطح اطلاعات حاصله تحلیل شده است:

۱- **در سطح توصیفی:** از آنجایی که این تحقیق بیشتر جنبه توصیفی دارد، سعی شده تأثیر بازارچه‌های مرزی بر روی هر یک از شاخصه‌های رفاه به صورت جداول توزیع فراوانی و نمودارهای مربوط به هر یک از شاخصه به تفکیک نشان داده شود. در این سطح عمدتاً از آمار توصیفی و روش‌ها و تکنیک‌های خاص آن نظیر میانگین، میانه، مد، واریانس و ... بهره‌برداری شده است؛

۲- **در سطح تحلیلی:** در این سطح برای تحلیل روابط بین متغیرها از آزمون‌های آماری مناسب نظیر مقایسه میانگین‌ها، کای اسکوار و در صورت لزوم ضرایب همبستگی مربوط به هر یک از سطوح سنجش متغیرها استفاده شده است.

### جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری مشتمل بر کلیه پيله‌وران، بازرگانان و سایر دست اندرکاران بازارچه‌های مرزی است که کارت پيله‌وری یا بازرگانی دریافت داشته‌اند و به فعالیت در بازارچه مشغولند. کل جامعه آماری ما ۶۰۹۸ نفر بودند که بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ما ۱۹۰ نفر انتخاب شد. همچنان که در جدول ۲ قابل مشاهده است، در ابتدای پرسشنامه، سؤالاتی از قبیل سن، میزان تحصیلات، قومیت، وضعیت تأهل، وضعیت بومی بودن و محل تولد از پاسخگویان

پرسیده شد و توزیع فراوانی سؤالات در جدول زیر به نمایش درآمده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی سؤالات زمینه

گروه سنی	فراوانی	میزان تحصیلات	فراوانی	قومیت	فراوانی	وضعیت تأهل	فراوانی	وضعیت بومی بودن	فراوانی	محل تولد	فراوانی
۱۵ تا ۲۴ سال	۲۸	بی‌سواد	۲۶	کرد	۱۴۵	مجرد	۵۳	خیر	۵۲	شهر	۹۸
۲۵ تا ۳۴ سال	۹۰	ابتدایی و راهنمایی	۴۸	ترک	۳۴	متاهل	۱۳۷	بلی	۱۳۳	روستا	۸۸
۳۵ تا ۴۴ سال	۴۳	دبیرستان	۴۲	فارس	۹	کل	۱۹۰	بی‌پاسخ	۵	بی‌پاسخ	۴
۴۵ تا ۵۴ سال	۱۹	دبیرم و فوق دبیرم	۵۳	عرب	۱	*	*	کل	۱۹۰	کل	۱۹۰
۵۵ تا ۶۴ سال	۶	لیسانس و بالاتر	۲۱	بی‌پاسخ	۱	*	*	*	*	*	*
بی‌پاسخ	۴	کل	۱۹۰	کل	۱۹۰	*	*	*	*	*	*
کل	۱۹۰					*					

منبع: نگارندگان

## اعتبار و پایایی

در تحقیق حاضر ابتدا بر روی ۴۰ نمونه، پیش‌آزمون (پری‌تست) صورت گرفت. بدین صورت که پرسشنامه تهیه شده را در بین این نمونه‌ها توزیع نمودیم و از آنها خواستیم تا به سؤالات مطرح شده پاسخ گویند. بر اساس اطلاعات به دست آمده اعتبار و روایی تحقیق مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است:

## اعتبار

در این تحقیق برای سنجش اعتبار متغیرها از اعتبار سازه‌ای از طریق تحلیل عاملی استفاده گردید. در رواسازی تحلیل عاملی، روشی قدرتمند و اجتناب‌ناپذیر است. تحلیل عاملی روشی است که با مشخص کردن اینکه کدام وسیله‌های اندازه‌گیری در کنار هم قرار می‌گیرند (یعنی یک چیز را اندازه می‌گیرند و تعیین روابط بین خوشه‌هایی از وسیله‌های اندازه‌گیری که با هم قرار می‌گیرند) تعدادی زیادی از این وسیله‌ها را به تعداد کمتر کاهش می‌دهد.

جدول ۳: جدول روایی متغیرهای تحقیق محاسبه شده با آلفای کرونباخ

متغیرها	مقدرا آلفای کرونباخ
اشتغال غیرمستقیم	۰/۸۱۵
میزان تأمین کالا	۰/۷۷۱
امنیت اقتصادی	۰/۶۷۹
امنیت اجتماعی	۰/۸۴۹
تأثیر بازارچه بر جلوگیری از مهاجرت	۰/۸۲۷
قاجاق کالا	۰/۷۷۹

### یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از رگرسیون ۷ فرضیه تحقیق در قالب چند جدول ذیل ارائه می‌گردد:

جدول ۴: نتایج رگرسیونی فرضیات تحقیق به ترتیب میانگین

تعداد	انحراف معیار	میانگین	فرضیات
۱۹۰	۱,۰۱۵۸۰	۳,۶۰	بازارچه‌های مشترک مرزی در افزایش امنیت اقتصادی منطقه تأثیر مثبتی داشته‌اند.
۱۹۰	۱,۳۱۰۹۲	۲,۶۲	به نظر می‌رسد بازارچه‌های مشترک مرزی در افزایش امنیت اجتماعی منطقه تأثیر مثبتی داشته‌اند.
۱۹۰	۰,۶۲۰۴۱	۳,۲۱	تشکیل بازارچه‌ها در ادامه سکونت مرزنشینان در نقاط مرزی و جلوگیری از مهاجرت آنان تأثیر مثبت داشته است.
۱۹۰	۱,۰۷۱۱۵	۳,۴۵	ایجاد بازارچه‌های مشترک مرزی در کاهش حجم اقتصاد غیر رسمی و سالم‌سازی مبادلات مرزی تأثیر مثبتی داشته‌اند.

تعداد	انحراف معیار	میانگین	فرضیات
۱۹۰	۰/۹۸۱۴۸	۳/۷۵	استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی در ارتقای شغلی و افزایش اشتغال غیرمستقیم (حمل و نقل بار و مسافر، عملیات بارگیری، مغازه‌ها، امور خدماتی و...) مرزنشینان تأثیر مثبتی داشته‌اند.
۱۹۰	۰/۴۵۲۲۰	۳/۹۰	استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی در افزایش درآمد مرزنشینان تأثیر مثبتی داشته‌اند.
۱۹۰	۱/۰۰۵۸۲	۲/۵۰	استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی در تأمین کالاهای مورد نیاز مرزنشینان تأثیر مثبتی داشته‌اند.

همچنان که در جدول فوق مشاهده می‌شود ابتدا تأثیر بازارچه در افزایش درآمد مرزنشینان قابل مشاهده است و بعد از آن به ترتیب تأثیر بازارچه و درآمد ناشی از آن بر افزایش اشتغال غیرمستقیم، امنیت اجتماعی منطقه، امنیت اقتصادی منطقه، کاهش حجم اقتصاد غیررسمی، جلوگیری از مهاجرت مرزنشینان و تأمین کالاهای مورد نیاز قابل مشاهده است. بر این اساس تأثیر بازارچه بر درآمد مرزنشینان، افزایش اشتغال و امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی دارای بالاترین دارای بالاترین میانگین هستند و بیشترین تأثیر را از استقرار بازارچه گرفته‌اند.

جدول ۵: خلاصه مدل رگرسیون فرضیات تحقیق

میزان معناداری	مقدار df2	مقدار df1	مقدار f	Std. Error of the Estimate	ضریب تعیین تعدیل شده	R2	R
۰/۰۱	۱۸۰	۹	۲/۴۲۶	۰/۵۲۴۱۰	۰/۷۴۶	۰/۷۴۹	۰/۷۲۷

در جدول فوق که خلاصه مدل نام دارد، R معادل ۰/۷۲۷ به دست آمده است که بین ۰ و ۱ قرار دارد و در سطح بالایی است و ضریب تعیین تعدیل شده که بسیار مهم است ۰/۷۴۶ به دست آمده است. بدین معنا که متغیرها و فرضیه‌های تحقیق در مجموع ۷۴/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

جدول ۶: آزمون آنوا و نتایج رگرسیون فرضیات تحقیق

مدل	Sum of Squares	مقدار df	جمع میانگین‌ها	مقدار f	میزان معناداری
Regression	۵,۹۹۸	۹	۰,۶۶۶	۲,۴۲۶	۰,۱۶
Residual	۲۶,۹۱۸	۱۸۰	۰,۲۷۵		
Total	۳۲,۹۱۷	۱۸۹			

همچنان که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، مقدار F از ۱,۹۶ بالاتر، همچنین سطح معناداری از مقدار ۰/۰۵ پایین‌تر است؛ در نتیجه می‌توان گفت که مؤلفه‌های استقرار بازارچه مرزی به درستی متغیرهای امنیت اجتماعی و اقتصادی را تبیین می‌کنند.

جدول ۷: نمایش Betaها و اثرگذاری مؤلفه‌های استقرار بازارچه بر امنیت اجتماعی و اقتصادی منطقه

فرضیات تحقیق	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	مقدار T	میزان معناداری
	B	Std. Error	Beta		
به نظر می‌رسد بازارچه‌های مشترک مرزی در افزایش امنیت اجتماعی منطقه تأثیر مثبتی داشته‌اند.	۰,۱۳۶	۰,۰۶۴	۰,۲۵۰	۲,۱۱۴	۰,۰۰۰
ایجاد بازارچه‌های مشترک مرزی در کاهش حجم اقتصاد غیررسمی و سالم سازی مبادلات مرزی تأثیر مثبتی داشته‌اند.	-۰,۰۸۱	۰,۰۶۱	-۰,۱۴۷	-۱,۳۱۶	۰,۰۰۳
استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی در تأمین کالاهای مورد نیاز مرزنشینان تأثیر مثبتی داشته‌اند.	۰,۰۱۳	۰,۰۵۶	۰,۲۲۳	۰,۲۲۷	۰,۰۰۴

استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی در افزایش درآمد مرز نشینان تأثیر مثبتی داشته‌اند.	-۰.۱۷۹	۰.۰۶۴	۰.۳۱۷	-۲.۷۹۳	۰.۰۰۰
استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی در ارتقای شغلی و افزایش اشتغال غیرمستقیم (حمل و نقل بار و مسافر، عملیات بارگیری، مغازه‌ها، امور خدماتی و...) مرز نشینان تأثیر مثبتی داشته‌اند.	۰.۱۱۴	۰.۰۴۶	۰.۲۶۹	۲.۴۷۹	۰.۰۰۱
تشکیل بازارچه‌ها در ادامه سکونت مرز نشینان در نقاط مرزی و جلوگیری از مهاجرت آنان تأثیر مثبت داشته است.	۰.۱۲۸	۰.۱۲۵	۰.۱۰۴	۱.۰۲۷	۰.۰۰۲
بازارچه‌های مشترک مرزی در افزایش امنیت اقتصادی منطقه تأثیر مثبتی داشته‌اند.	۰.۱۵۹	۰.۰۸۷	۰.۱۷۴	۱.۸۲۷	۰.۰۰۰

جدول ۷ بتاها را نشان می‌دهد. در این راستا می‌توان گفت که هر چه Beta و T بزرگتر و سطح معناداری کوچکتر باشد، نشان دهنده آن است که متغیرهای مستقل تأثیر شدیدتری بر متغیر وابسته دارند. در جدول ۷ سطح معناداری در سطح قابل قبول و کمتر از ۰/۰۵ و بتاها در حد مناسبی هستند. بر این اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت در درجه اول تأثیر بازارچه بر افزایش درآمد مرز نشینان و در ادامه به ترتیب متغیرهای افزایش اشتغال غیرمستقیم، امنیت اجتماعی منطقه، امنیت اقتصادی منطقه، کاهش حجم اقتصاد غیررسمی، جلوگیری از مهاجرت مرز نشینان و تأمین کالاهای مورد نیاز دارای بالاترین مقدار Beta هستند. بر این اساس استقرار بازارچه‌های مرزی بیشترین تأثیر را بر افزایش درآمد مرز نشینان داشته است و در ادامه تأسیس بازارچه‌ها بر افزایش اشتغال غیرمستقیم، امنیت اجتماعی منطقه، امنیت اقتصادی منطقه، کاهش حجم اقتصاد غیر رسمی، جلوگیری از مهاجرت مرز نشینان و تأمین کالاهای مورد نیاز تأثیر گذار بوده‌اند.

## آزمون فرضیات و نتایج آن

در این مقاله اثرات بازارچه‌های مرزی بر ارتقای امنیت مناطق مرزنشین در دو شهر سردشت و پیرانشهر مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی نشان داد که این گونه مبادلات علی‌رغم غیررسمی و محلی بودن، دارای نقش پر اهمیتی می‌باشند و باعث بهبود زندگی ساکنان نقاط مرزی می‌شوند و بالاخره در نوع خود می‌توانند توسعه همکاری‌های متقابل اقتصادی، گسترش بازارهای محلی، ایجاد صلح و ثبات در مناطق مرزنشین و بالاخره بهبود امنیت در مناطق مرزنشین را موجب شوند.

به منظور بررسی هدف و به اصطلاح نقش و جایگاه بازارچه‌های مشترک مرزی در ارتقای امنیت مناطق مرزنشینان، ابتدا بعد از بیان مسأله و ضرورت انجام کار، به سراغ سؤال اصلی تحقیق رفتیم. سؤال اصلی ما عبارت بود از:

بازارچه‌های مشترک مرزی در دو شهر سردشت و پیرانشهر چه نقشی در ارتقای امنیت مرزنشینان ایفا نموده‌اند؟ به عبارت دیگر: آیا بازارچه‌های مشترک مرزی در کاهش تنش سیاسی و ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی تأثیر مثبتی داشته‌اند؟

دو گزینه بالا پرسش‌هایی بودند که در این تحقیق در پی یافتن پاسخی برای آن بودیم. برای یافتن پاسخی به سؤال اصلی تحقیق، با توجه به واکاوی‌های نظری و بهره‌گیری از نظریات اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی اقتصادی و جغرافیای سیاسی، فرضیاتی را تدوین نمودیم. متغیر مستقل ما در این کار عبارت بود از بازارچه‌های مشترک مرزی و متغیرهای وابسته نیز شامل اشتغال (مستقیم و غیر مستقیم)، درآمد، تأمین مایحتاج کالاهای ضروری، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، مهاجرت و قاچاق کالا) بودند.

با بهره‌گیری از متغیر مستقل مذکور و متغیرهای وابسته، در پی تحلیل و تبیین جایگاه بازارچه‌های مرزی کیله و تمرچین در ارتقای امنیت مناطق مرزنشین سردشت و پیرانشهر برآمدیم که در ذیل به آزمون فرضیات و نتایج آن خواهیم پرداخت.

۱- به نظر می‌رسد استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی در ارتقای شغلی و اشتغال غیرمستقیم (حمل و نقل بار و مسافر، عملیات بارگیری، مغازه‌ها، امور خدماتی و...) مرزنشینان تأثیر مثبتی داشته‌اند.

در تأیید فرضیه فوق می‌توان گفت بازارچه‌های مرزی باعث ارتقای شغلی مرزنشینان شده



است؛ به طوری که از یافته‌های تحقیق می‌توان دریافت که ۸۶/۱ درصد از پاسخگویان پس از استقرار بازارچه، تحرک شغلی داشتند. همچنین بازارچه‌های در افزایش اشتغال مستقیم و غیرمستقیم مرزنشینان نیز تأثیر مثبتی به جای گذاشته‌اند؛ به نحوی که روستاییان دارای کارت پیلهوری که در سال‌های گذشته به نحو انفرادی و پراکنده و یا در حجم کم به مبادله کالا اقدام می‌کردند، اکنون با عضویت در تعاونی پیلهوران و اجاره غرفه‌های بازارچه اقدام به صادرات و واردات کالا می‌نمایند و به دلیل انسجام و شکل رسمی که این کار به خود گرفته روز به روز بر تعداد پیلهوران افزوده می‌گردد و این امر منشأ تحول اقتصادی و رفع معضل بیکاری و ایجاد اشتغال در این زمینه به حساب می‌آید. علاوه بر این ایجاد و استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی باعث ایجاد و افزایش اشتغال غیرمستقیم در منطقه گردیده است، به طوری که با شروع فعالیت و گسترش تدریجی مبادلات در قالب بازارچه‌های مرزی، علاوه بر اشتغال مستقیم توسط پیلهوران در امر صادرات و واردات کالا، نیازمندی‌های دیگری نظیر بارگیری، حمل و نقل بار و مسافر، انبارداری، خدمات رستوران، مغازه و... نیز به وجود آمده است؛ به نحوی که روزانه تعداد زیادی از اهالی منطقه به جهت اشتغال در زمینه‌های فوق‌الذکر دارای شغل و درآمدی هستند که پیش از این جایی در میان آن‌ها نداشت. با استناد به اطلاعات به دست آمده از جداول توزیع فراوانی پاسخگویان می‌توان دریافت که ۷۸/۴ درصد از پاسخگویان بر این باور بودند که بازارچه در افزایش اشتغال مستقیم و غیرمستقیم تأثیرگذار بوده است.

۲- به نظر می‌رسد استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی در افزایش درآمد مرزنشینان تأثیر مثبتی داشته‌اند.

طبیعی است که با ایجاد اشتغال، زمینه‌های کسب درآمد نیز فراهم می‌گردد. این افزایش درآمد در دو شکل تجلی یافته است:

الف) تعداد اندکی از مرزنشینان به دلیل داشتن سرمایه کافی و کارت پیلهوری، قادر هستند که با خرید محصولات و کالاهای صادراتی در حجم وسیعی، خود مستقیماً اقدام به صادرات کالا و در مقابل آن واردات نمایند. این گروه در مقایسه با دیگر مرزنشینان سود و افزایش درآمد بیشتری داشته و از این راه سرمایه و درآمدشان سیر تصاعدی در پیش گرفته است. بنابراین پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری نسبت به دیگر مرزنشینان دارند.

ب) تعداد دیگری از مرزنشینان که سهم آنها به مراتب بیشتر است، علی‌رغم داشتن کارت

پيله‌وری، به دليل فقدان سرمايه و پشتوانه لازم خود قادر به مبادله مستقيم نبوده و اغلب به فروش امتياز کارت خود و يا از راه کارگري و کولبري در بازارچه و ديگر شغل‌ها درآمدی را به دست می‌آورند. سرمايه کم، ريسک‌پذيري پايين، فقدان سواد و اطلاعات کافي از چگونگي مبادلات از عمده مشکلات اين گروه محسوب می‌شود. بر اساس اطلاعات به دست آمده از مطالعات میدانی نیز می‌توان دریافت که درآمد ۷۰/۵ درصد از پاسخگویان پس از استقرار بازارچه نسبت به قبل افزایش یافته است و تنها ۵/۸ درصد از پاسخگویان با کاهش درآمد مواجه شدند. درآمد ۲۳/۷ درصد آنها نیز ثابت مانده است.

۳- به نظر می‌رسد بازارچه‌های مشترک مرزی در افزایش امنیت اقتصادی منطقه تأثیر مثبتی داشته‌اند.

ایجاد و توسعه امکانات زیربنایی، افزایش سطح اشتغال و رفاه منطقه‌ای و در نهایت افزایش مقبولیت و مشروعیت نظام سیاسی در میان مردم مناطق مرزی از جمله معیارهای اندازه‌گیری سطح امنیت در مناطق مرزی می‌باشند. بیشتر ناامنی‌های موجود در مناطق مرزی ناشی از وضعیت بد اقتصادی است که زمینه را برای دیگر ناامنی‌ها فراهم می‌آورد. طبیعی است که با انجام یکسری فعالیت‌های آمایشی و توسعه‌ای بتوان به انجام یک سطح قابل قبولی از امنیت اقتصادی در این مناطق دست یافت. نظریه توسعه<sup>۵</sup> امنیت نیز این ادعای بالا را تأیید می‌کند که برای تحقق امنیت در مناطق مرزی ابتدا باید توسعه به آن مناطق وارد شود و سپس نتایج توسعه، در تحقق و استقرار امنیت کمک کند. به طور کلی می‌توان از توسعه به عنوان ابزار برقراری امنیت در این مناطق استفاده کرد. ایجاد بازارچه‌های مرزی به وسیله دولت در سال‌های اخیر به عنوان ایجاد تمهیدی برای مرزنشینان تلقی می‌گردد و بسیاری از نقاط مرزی که تا آن موقع عمدتاً به عنوان نقاط امنیتی تلقی می‌شدند، از امتیازات دیگری برخوردار شدند که به تدریج زمینه را برای امنیت اقتصادی و به دنبال آن سرمایه‌گذاری در منطقه فراهم کرده است. یافته‌های مطالعات میدانی نیز نشان می‌دهد ۵۱/۶ درصد از پاسخگویان میزان امنیت اقتصادی منطقه بعد از ایجاد بازارچه را در سطح متوسط و ۴۶/۳ درصد نیز در سطح بالا ارزیابی کرده‌اند. همچنین مطالعات کارشناسی در محل و نتایج آزمون مدل کای‌اسکوئر، تأیید بر آن دارد که فعالیت و رونق بازارچه‌ها در منطقه ارتباط مستقیمی با درجه امنیت اقتصادی دارند. همچنین در مناطق مرزی و حاشیه کشور، مشکل عمده توسعه منطقه‌ای در عدم تعادل

منطقه‌ای تفسیر و تحلیل می‌شود. با توجه به اینکه اغلب مناطق حاشیه مرزی به جهت شرایط اقلیمی و عدم وجود منابع کافی آب و خاک حاصلخیز، از اشتغال مولد و رفاه اجتماعی مناسب برخوردار نیستند، دولت موظف است از طریق برنامه‌های آمایشی حداقل رفاه را برای این مناطق فراهم نماید. انسان، رفاه او و همچنین روابط متقابل او با محیط زیست، هسته مرکزی هر گونه اندیشه آمایشی را تشکیل می‌دهد. آمایش سرزمین می‌باید با تضمین کیفیت زندگی در یک محیط زیست مطلوب در خدمت شکوفایی شخصیت او باشد. مناطق حاشیه‌ای که دارای نیازهای ویژه و امکانات بالقوه ساختاری برای تجدید تعادل در زمینه اقتصادی و اجتماعی می‌باشند؛ باید به وجه مناسب‌تری با مراکز صنعتی و اقتصادی ارتباط یابند. در مناطقی که در آنها شرایط زندگی در تمامیت آن به طور اساسی عقب مانده است، باید شرایط زیستی مردم، به ویژه فرصت‌های شغلی، وضعیت‌های مسکونی، شرایط زیست محیطی، همچنین تأسیسات ارتباطی، خدمات‌رسانی و تأمین تدارک نیازمندی‌ها، عموماً بهبود یابد.

آمایش سرزمین با ایجاد اشتغال و گسترش تأسیسات زیربنایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که پاسخگوی آمال اقشار گوناگون جمعیت می‌باشد، رفاه عمومی را افزایش می‌دهد و از طریق مکان‌گزینی صحیح، این امکانات را به نحوی مطلوب در دسترس همگان قرار می‌دهد. بنا بر مسائل فوق ضرورت تام دارد که در مناطق محروم و مرزی شرایط زندگی قابل قبولی با توجه به کلیه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اکولوژیکی، به علاوه تجهیزات و تأسیسات زیربنایی ایجاد شود. بنابراین با توجه به اینکه بخشی از فضاها حاشیه‌ای کشور به دلیل برخی از ملاحظات سیاسی، نظامی، اقلیمی از حیث توزیع جمعیتی و معیشتی و امکانات زیربنایی در محرومیت به سر می‌برند؛ در این رهگذر راه‌اندازی مراکز تجاری مرزی برای تعمیم عدالت اجتماعی همسو با بهینه‌سازی توانایی بالقوه و بالفعل اهالی مرزنشین مؤثر خواهد بود؛ زیرا به منظور احداث بازارچه‌های مرزی دولت ملزم به سرمایه‌گذاری مناسب جهت ایجاد تأسیسات مربوط به بازارچه‌ها در ابعاد تجاری، گمرکی، رفاهی و ... می‌باشد. همچنین جهت ایجاد کشش و انگیزه برای جمعیت‌های مرزنشین دو سوی مرز، دولت ملزم به ایجاد زیرساخت‌های مناسب از قبیل راه، ارتباطات، امکانات رفاهی - بهداشتی و ... می‌باشد. بنابراین به گردش درآمدن چرخه مبادلات تجاری باعث توسعه اقتصادی و ایجاد امنیت اجتماعی، بالاخص شکوفایی امکانات زیستی مرزنشینان و روستاهای حاشیه مرزی خواهد بود.

۴- به نظر می‌رسد ایجاد بازارچه‌های مشترک مرزی در کاهش حجم اقتصاد غیررسمی و سالم‌سازی مبادلات مرزی تأثیر مثبتی داشته‌اند.

یکی از موارد پیش‌بینی شده در اهداف اصلی آئین‌نامه اجرایی بازارچه‌های مشترک مرزی، ساماندهی مبادلات غیررسمی در مناطق مرزنشین است. قاچاق کالا یکی از عمده موارد بیمارگونه در مبادلات تجاری این مناطق است که ضرر و زیان‌های فراوانی را بر پیکره جوامع وارد می‌آورند. با توجه به وضعیت فعلی کردستان عراق هم اکنون شبکه‌های بزرگی از قاچاقچیان که دامنه و حوزه فعالیت آنها به چند کشور همجوار هم می‌رسد، در این زمینه فعال می‌باشند. به طوری که مرز مربوطه به محلی برای تخلیه انواع کالاها تبدیل و از آنجا توسط افراد و گروه‌هایی که در زمینه قاچاق کالا فعالیت دارند، از راه‌های مختلف و با استفاده از هزاران کوره راه و معابر متعدد و به علت کوهستانی بودن منطقه اقدام به این کار می‌نمایند. یکی از دلایل عمده در قاچاق کالا، به ممنوعیت‌های تعریف شده در قانون و مقررات گمرکی ایران مربوط می‌شود. نرخ بالای حقوق و عوارض گمرکی و سود سرشار ناشی از آن تداوم پیوستگی دائمی جریان قاچاق کالا را دامن می‌زند. علی‌رغم تبلور سیاست‌های مبارزه با قاچاق در اهداف بازارچه‌های مشترک مرزی، مروری بر کارنامه عملکرد بازارچه‌ها، همچنین نتایج مطالعات میدانی، نشان می‌دهد که بازارچه‌ها هر چند توانسته‌اند به طور نسبی به این خواسته دست یابند، اما آن چنان که باید به هدف تعریف شده خود در زمینه قاچاق کالا که پدیده دیرآشنای این مناطق بوده است، نرسیده‌اند و تا رسیدن به وضع مطلوب فاصله دارند.

یافته‌های مطالعات میدانی و مصاحبه با مسئولان نشان داد که بازارچه‌ها توانسته‌اند به صورت نسبی فعالیت‌های زیرزمینی و غیررسمی را کاهش دهند. بر اساس یافته‌ها، ۲۱/۶ درصد از پاسخگویان میزان تأثیر بازارچه بر کاهش حجم اقتصاد غیررسمی و سالم‌سازی مبادلات مرزی را در حد کم و ۲۷/۹ درصدشان نیز در حد متوسط و ۵۱/۵ درصدشان نیز در سطح بالا ارزیابی کردند. بنابراین می‌توانیم بگوییم که ایجاد بازارچه‌های مشترک مرزی در کاهش حجم اقتصاد غیررسمی و سالم‌سازی مبادلات مرزی تأثیر مثبتی داشته‌اند؛ زیرا ۵۱/۵ درصد از پاسخگویان این میزان را در سطح بالا ارزیابی کردند.

۵- به نظر می‌رسد بازارچه‌های مشترک مرزی در افزایش امنیت اجتماعی منطقه تأثیر مثبتی داشته‌اند.

از آنجا که یکی از دلایل ضمنی در ایجاد بازارچه‌های مرزی، افزایش ضریب اطمینان و امنیت در مناطق مرزی از طریق توسعه تجارت و بالتبع توسعه این مناطق می‌باشد، بازارچه‌ها هر چند توانسته‌اند حداقل امنیت نسبی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی در منطقه ایجاد کنند، و تا حد زیادی سرمایه‌گذاری اقتصادی در منطقه نسبت به قبل از آن روند صعودی داشته است، متأسفانه ایجاد و رونق بازارچه نتوانسته‌اند به شاخص‌های از امنیت اجتماعی در منطقه کمک شایانی بکنند. بر اساس نظریه توسعه- امنیت، انتظار بر این است که هرگاه در منطقه‌ای طرح‌های توسعه فیزیکی مانند احداث تأسیسات تولیدی صنعتی، کشاورزی، تجاری و خدماتی اجرا شود، شاخص‌های توسعه غیرفیزیکی همچون سواد، همگرایی اجتماعی و فرهنگی، همگرایی با دولت مرکزی و نیز شاخص‌های امنیت مانند میزان بزهکاری و عبور غیرقانونی از مرز و آنچه به طور عمومی نامی خوانده می‌شود، تحت تأثیر قرار می‌دهد. ولی مشاهدات میدانی و بررسی‌های انجام شده نشان داد که عملکرد بازارچه‌ها از لحاظ توسعه فیزیکی مانند کارخانجات، تأسیسات تولیدی و صنعتی و ... ضعیف بوده است.

اما تأثیرگذاری بازارچه بر دیگر شاخص‌های امنیت اجتماعی از قبیل احساس امنیت جانی و مالی با ۹۴٫۲، قدم زدن در مسیرهای خلوت با ۸۲٫۷ درصد، امنیت نشستن در پارک‌های خلوت یا حاشیه‌ای به تنهایی با ۷۶٫۸ درصد، امنیت منطقه از لحاظ سرقت و بزهکاری، کیف‌قاپی با ۷۹٫۹ درصد، نقش بازارچه در کاهش جرایم در منطقه با ۷۶٫۵ درصد و نقش بازارچه در کاهش ناآرامی‌ها با ۶۷٫۲ درصد تأثیرگذار بوده‌اند. در مجموع متغیر امنیت اجتماعی منطقه با ۱۰ گویه که به صورت طیف ۵ تایی لیکرت می‌باشند، سنجیده شده است. مجموع نمرات پاسخگویان در پاسخ به این گویه‌ها به عنوان امنیت اجتماعی منطقه در نظر گرفته می‌شود. حداقل نمره مورد انتظار پاسخگویان ۱۰ و حداکثر نمره مورد انتظار پاسخگویان ۵۰ بود. میانگین نمرات پاسخگویان ۳۳٫۴ با انحراف استاندارد ۴/۴۵ بوده است که حاکی از امنیت اجتماعی متوسط به بالا بعد از استقرار بازارچه بوده است.

می‌توان دریافت که ۳۰/۲ درصد از پاسخگویان میزان امنیت اجتماعی منطقه را سطح پایین ارزیابی کرده‌اند و ۳۵/۹ درصد از آنها میزان امنیت اجتماعی منطقه را سطح متوسط و ۳۳/۹ درصد سطح بالا ارزیابی کرده‌اند.

۶- استقرار و فعالیت بازارچه‌های مشترک مرزی در ادامه سکونت مرزنشینان در نقاط مرزی و

جلوگیری از مهاجرت آنان تأثیر مثبت داشته باشد.

نتیجه پرسشنامه و تحقیقاتی که به صورت صورت مصاحبه و میدانی انجام گرفت، بیانگر این واقعیت است عمده نیروهای جوان و فعال این روستاها به منظور اشتغال و کسب درآمد راهی شهرهای اطراف یا دیگر مناطق کشور شده‌اند. علت و انگیزه‌های مهاجرت گوناگون و در عین حال مکمل هم بوده‌اند. اگرچه دو عامل جاذبه و دافعه در مبدأ و مقصد مهاجران نقش مهمی را ایفا می‌کند، اما عمده‌ترین دلیل مهاجرت روستاییان مرزی به شهر، اقتصادی است. به نظر پاسخگویان، بی‌کاری (۶۶/۸ درصد)، عدم درآمد و سرمایه کافی (۶۰/۵ درصد)، فقر (۳۴/۲ درصد)، کمبود خدمات آموزشی و بهداشتی (۱۲/۶ درصد)، تفریح (۴/۷ درصد)، خشکسالی (۳/۷ درصد موافق) مهمترین دلایل مهاجرت روستاییان به شهر تلقی می‌گردد. در مصاحبه‌ها نیز اظهار می‌داشتند که اگر شرایط لازم و امکانات مناسب فراهم گردد، ساکنان این مناطق رنج زندگی در غربت و مناطق خارج از فرهنگ و دلبستگی‌هایشان را هیچگاه به عنوان تنها راه انتخاب نمی‌کنند. مادامی که زمینه‌های لازم برای رشد و ترقی و امکانات رفاهی و اشتغال، درآمد، امکانات آموزشی و بهداشتی و... در این گونه مناطق نباشد، انتظار ماندن در مرز و جلوگیری از مهاجرت بیهوده است. در مناطقی که تا شعاع چند کیلومتری اثری از کارخانجات، مجتمع‌های بزرگ تولیدی و صنعتی، صنایع کوچک و... به چشم نمی‌خورد، مهاجرت یکی از چند راه رسیدن به خوشبختی این مردم است. به طوری که اکثریت پاسخگویان (۵۰/۵ درصد) بعد از استقرار بازارچه در شهر تمایل ضعیفی برای ماندن در مناطق روستایی داشته‌اند. و تنها ۱۶/۳ درصد پاسخگویان تمایل مثبت به ماندن در مناطق روستایی داشته‌اند.

۷- به نظر می‌رسد استقرار بازارچه‌های مشترک مرزی در تأمین کالاهای مورد نیاز مرزنشینان تأثیر مثبتی نداشته‌اند.

یکی دیگر از اهداف اولیه تأسیس بازارچه‌های مشترک مرزی، تأمین نیازمندی‌های کالایی مردم مرزنشین می‌باشد. در سال‌های اولیه فعالیت این بازارچه‌ها، تا حدودی این امر صدق می‌کرد؛ اما به تدریج با تغییر روند داد و ستد و انگیزه‌های به دست آوردن سود، شکل و نوع کالاهای مبادله شده هم تغییر یافت. بدین منظور نوع واردات و صادرات کالاهای مبادله شده در بازارچه مورد بررسی قرار گرفت، در میان اقلام کالاهای وارداتی، ضایعات آهن و آلومینیوم و در مرحله بعد لوازم یدکی ماشین آلات، بیشترین تعداد صورت مبادلات را به خود اختصاص

داده‌اند. طبیعی است که مقصد و مصرف کننده این گونه کالاها در شهرهای بزرگی چون تهران، اصفهان، تبریز، اراک و ... قرار دارند. در این میان سهم مرزنشینان از این کالاها جایگاهی ندارد. آنها فقط شاهد کامیون‌هایی هستند که با سرعت این گونه کالاها را از جلوی دیدگان آنها عبور می‌دهند. آمارهای به دست آمده از مطالعات کمی نیز خود گویای این مدعی است. بدین صورت که ۸۹/۳ درصد از پاسخگویان میزان تأمین کالاهای مورد نیاز با استقرار بازارچه را سطح پایین ارزیابی کرده‌اند. مسأله دیگر اینکه مطابق آیین‌نامه بازارچه‌های مرزی، تأسیس و فعالیت این بازارچه‌ها لزوماً باید در راستای راهبردهای کلان توسعه بازرگانی و متکی بر تقویت و رونق صادرات کالاهایی باشند که از مزیت نسبی منطقه‌ای برخوردارند. متأسفانه ترکیب کالاهای مبادله شده در نواحی مرزنشین نیز اشاره به ناکامی بازارچه‌ها در توسعه مناطق مرزنشین دارند. مهم آنکه هم مبدأ و هم مقصد کالاهای صادراتی و وارداتی در خارج از حوزه مناطق مرزی واقع شده‌اند. در پاسخ به این سؤال که «کالاهای وارد شده را در کدام بازار به فروش می‌رسانید؟»، به خارج از نواحی مرزی و اغلب به بازارهای تهران، تبریز و اراک اشاره داشتند.

با بررسی نوع کالاهای صادراتی، مشخص گردید که ترکیب اینها بر کلکسیون از کالاها تعلق یافته که فاقد مزیت‌های محلی هستند. این امر در مورد کالاهای وارداتی و صادراتی به شدت مصداق دارد و کالاهای مبادله شده به ندرت خاستگاه محلی دارند. اقلامی چون سیمان، صنایع فلزی، میلگرد، مواد غذایی، بیسکویت، لوازم برقی، لوازم صنعتی، نوشابه و... از این بازارچه‌ها صادر می‌گردند. از لحاظ داده‌های آماری هم می‌توان دریافت که به طور کلی کالاهای بومی سهم چندانی در مبادلات بازارچه نداشته‌اند. چنان که ۷۲/۱ درصد پاسخگویان معتقد بودند که سهم کالاهای بومی در مبادلات بازارچه در حد کم می‌باشد. نتیجه اینکه بازارچه‌های مرزی تبدیل به وسیله‌ای برای کسب درآمد تعدادی تاجر، پیلهور و سرمایه‌دارانی است که با انحراف از اهداف اولیه آن را به این صورت تبدیل کرده است. مطلب دیگر اینکه در حالی که مندرجات آیین‌نامه مبادلات مرزی این مراکز را به عنوان ممر درآمدی برای مرزنشینان تلقی کرده تا با تقویت رفاه و سطح زندگی آنان موجبات توسعه اقتصادی، تثبیت جمعیت و در کنار آن، امنیت ملی دفاع از مرزهای کشور و توسعه صادرات فراهم آید، در بررسی‌ها مشاهده شد که افراد زیادی از دیگر نقاط و حتی خارج از نواحی مرزی به این مناطق آمده‌اند. بدین سان حضور تأیید شده افراد غیربومی، نخستین پدیده ناهمگونی در اجرای آیین‌نامه بازارچه‌ها است. یک

برآورد آماری نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از دست اندرکاران مبادلات بازارچه‌ها، غیربومی هستند. ۲۸/۱ درصد پاسخگویان در پاسخ به این سؤال که آیا مرزنشین هستید یا خیر؟ جواب منفی داده‌اند. تداوم خودافزای چنین وضعیتی طبیعتاً موجب کاهش درآمد، اشتغال و فاصله گرفتن بازارچه‌ها از اهداف اولیه خود خواهند شد.

در انتقال محور مبادلات از پيله‌وران مرزنشین به سوداگران فرا استانی، عوامل بنیانی تأثیر داشته است. نتایج بررسی‌ها و مصاحبه‌های انجام شده تأیید بر این است که سهم بالایی از این مبادلات به دلیل ضعف بنیان مالی مرزنشینان، آشنا نبودن آنها به قوانین و مقررات تجاری و ناآگاهی از برخی مسائل تجاری دیگر به دست عاملان فرامرزی افتاده است. ادامه این روند به منزله زنگ خطری برای دست اندرکاران بازارچه‌های مرزی به شمار می‌رود.

نتیجه اینکه بازارچه‌ها هر چند در ایجاد رفاه نسبی برای منطقه تا حدی مفید عمل کرده‌اند و تغییرات مثبتی را در اقتصاد معیشتی مردم مرزنشین پدید آورده‌اند، اما مطالعات و بررسی‌ها نشان داد که بازارچه‌ها در هنجار قانونی خود عمل نمی‌کنند و از اهداف اولیه خود در بسیاری از موارد فاصله گرفته‌اند. در اهداف اولیه شکل‌گیری مبادلات مرزی، توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی سالم سرآمد نهایی این تصمیمات بوده، لیکن تأثیربخشی بازارچه‌ها بر مناطق فرامرزی و فرااستانی بیشتر از مناطق مرزنشین بوده است و بازارچه‌ها در مقیاس وسیعی به مبادی ورودی انواع کالاهایی تأمین‌کننده منافع مردم غیربومی تبدیل شده است.

بنابراین بازارچه‌های مرزی که نقش مکان‌های مرکزی را در نواحی مرزی به عهده دارند، اما بر اساس نظریه قطب رشد که معتقد به پخش توسعه تا شعاع معینی است، تصور نمی‌رود حداقل در کوتاه‌مدت آثار توسعه‌ای ناشی از فعالیت بازارچه‌ها در حوزه نفوذ آنها یعنی جایی که سکونتگاه‌های روستایی پراکنده‌اند، انتشار یابد. به این ترتیب با فعالیت بازارچه‌ها به صورت کنونی عملاً توسعه مناطق مرزی مسئله‌برانگیز است. در هر حال نتایج پژوهش تأکید بر آن دارد که علی‌رغم حیاتی بودن تأسیس و فعالیت بازارچه‌ها و آثار اقتصادی و رفاهی آن به دلیل پاره‌ای از مسائل در اهداف تعریف شده خود آن چنان که باید موفق نبوده‌اند. اما به هر حال علی‌رغم تمام مشکلات، بازارچه‌ها توجیه اقتصادی دارند، منتها محتاج بازنگری هستند.

## بحث و نتیجه‌گیری

مناطق مرزی شهرستان‌های سردشت و پیرانشهر به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی از مناطق



محروم محسوب می‌گردند، فعالیت‌های تجاری و مبادلات مرزی می‌تواند باعث رونق اقتصادی این مناطق گردد. با توجه به فقر اقتصادی مردم این مناطق، بازارچه‌های مرزی قابلیت آن را دارند که به مبادلات مرزی ساکنان مرزی نظم لازم را بدهند. همچنین قادرند تا به نوبه خود موجب جذب جمعیت و نگهداری مردم این مناطق شده و از مهاجرت‌های بی‌رویه جلوگیری نمایند. تشکیل بازارچه‌های مرزی نیز با اهدافی نظیر رونق بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد اشتغال، ایجاد انگیزه برای تداوم اسکان مرزنشینان در مناطق مرزی مورد بررسی و تأمین امنیت مرزها مطرح شده است. توسعه یافتگی مناطق مرزی و رفاه نسبی در این مناطق می‌تواند موجب تأمین امنیت و کاهش برخی از مشکلات مرزی از قبیل قاچاق کالا، مواد مخدر و... را فراهم و از تخلیه جمعیتی مناطق مرزی جلوگیری کند.

مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته نشان داد که امنیت و توسعه در مناطق مورد بررسی با ضریب همبستگی بالا، دارای رابطه‌ای مستقیم و دو سویه با یکدیگر بودند؛ به گونه‌ای که طبق نظریات امنیت- توسعه مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه اقتصادی، از ضریب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته برخوردارند؛ بنابراین توجه به توسعه و امنیت مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی، با حمایت و سرمایه‌گذاری دولت‌ها، بر کارکرد امنیتی مرز و مرزنشینان تأثیر مثبت دارد.

جدول ۸: نمایی از وضعیت معیشتی مردم و تغییرات منطقه در قبل و بعد از بازارچه

رشد تغییرات	وضعیت		نوع
	بعد از بازارچه	قبل از بازارچه	
مثبت	زیاد	کم	اشتغال
تا حدودی مثبت	تا حدودی کمتر	زیاد	بیکاری
مثبت	بله	خیر	تحرک شغلی
مثبت	زیاد	کم	افزایش درآمد
منفی	خیلی زیاد	خیلی کم	مهاجرت به شهر
مثبت	خیر(تا حدودی)	بله	اقتصاد غیررسمی

رشد تغییرات	وضعیت		نوع
	بعد از بازارچه	قبل از بازارچه	
بدون تغییر	خیر	خیر	تأمین کالاهای مورد نیاز
مثبت	بهبود	بد	وضعیت تغذیه
مثبت	بهبود	بد	وضعیت بهداشت
مثبت	بهبود	بد	وضعیت مسکن
مثبت	بهبود	بد	محیط زیست
منفی	کمتر	بیشتر	وضعیت اوقات فراغت
مثبت	زیاد	کم	امنیت اقتصادی
مثبت	زیاد	کم	امنیت اجتماعی
مثبت	زیاد	کم	احداث پاساژ و مراکز تجاری
مثبت	زیاد	کم	تعداد مراکز مالی و بانکی
مثبت	زیاد	کم	احداث هتل و رستوران
مثبت	زیاد	کم	جذب گردشگر در سطح شهر و منطقه
مثبت	زیاد	کم	سرمایه اجتماعی
مثبت	زیاد	کم	روابط و اعتماد اقوام
مثبت	زیاد	کم	گسترش فعالیت‌های ساختمان و حمل و نقل
بدون تغییر	خیر	خیر	ایجاد کارخانه و صنایع
مثبت	زیاد	کم	ارتباط فرامرزی با عراق

### پیشنهادها

مناطق مرزی گرفتار طیف وسیعی از مشکلات است که آنها را در خطر همیشگی مواجه با حاشیه‌ای شدن قرار داده است که این امر باعث ایجاد شکاف ناشی از عدم اعتماد متقابل مرکز نشینان و مرزنشینان شده است. با توجه به تنوع، پیچیدگی و معضلات چند بعدی مناطق مرزی نباید برای پاسخگویی به آنها به دنبال یک راه‌حل ساده گشت؛ بلکه باید رویکردها و راه‌حل‌های مختلفی را در برابر معضلات ارائه نمود. به عبارت دیگر باید سطح افق را از یک چارچوب تک علتی، به یک دیدگاه سیستمی و همه‌جانبه گسترش داد. باید توجه نمود که مشکلات مرزها را می‌توان از طریق راه‌حل‌های درونی مرتفع نمود، بر همین اساس برای

پیشرفت و بهبود بازارچه‌های مرزی کیله در شهرستان سردشت و تمرچین در شهرستان پیرانشهر پیشنهاد می‌گردد:

- ایجاد و تأسیس ادارات گمرکی و بازرگانی در شهرستان‌های مورد بررسی و حتی‌الامکان استفاده از کارمندان بومی؛

- از آنجا که مطابق اهداف تعریف شده در آیین‌نامه مبادلات مرزی، ایجاد این گونه بازارچه‌ها صرفاً به منظور تقویت اقتصادی مردم مرزنشین بوده و مشارکت افراد غیربومی در معاملات این بازارچه‌ها موجب تضعیف حقوق مرزنشینان می‌شود، پیشنهاد می‌گردد با رعایت قوانین و مقررات امکان بسط و توسعه نقش مرزنشینان در مبادلات این مرزنشینان بیش از پیش فراهم گردد؛

- مشخص شدن شرح و وظایف نهادها و ارگان‌های موجود در بازارچه‌های دو شهرستان مورد بررسی که گاهی باعث تداخل وظایف ارگان‌های شهرستان در بازارچه‌های مذکور می‌شود؛ - از آنجا که واگذاری اداره امور بازارچه‌ها به ارگان‌های سیاسی و تأکید بر مسائل سیاسی-امنیتی موجب کم‌رنگ شدن امور بازرگانی بازارچه‌ها گردیده، توصیه می‌شود با اولویت دادن به ارگان‌های غیرسیاسی دخیل در آن بازارچه‌ها با حذف مقاصد سیاسی و رعایت اصول بازرگانی به سمت و سوی مردمی شدن هدایت شوند؛

- تجدید نظر در قوانین و مقررات ناظر بر مبادلات مرزی به منظور هدایت کردن مبادلات به سمت و سوی کالاهای مزیت‌دار در این منطقه؛

- درآمدهای حاصل از بازارچه به وسیله فرمانداری‌ها می‌تواند در تشکیل واحدهای تولیدی در مناطق مرزنشین بررسی شده، به کار رود که باعث اشتغال‌زایی مردم منطقه محرومیت‌زدایی از آن می‌شود؛

- ایجاد نمایشگاه دائمی داخل بازارچه‌های کیله و تمرچین به منظور معرفی کالاهای صادراتی ایرانی؛

- تجدید نظر در آیین‌نامه مبادلات مرزی که صراحتاً محلی بودن کالاهای صادراتی را تأیید نمی‌کند؛

- در آخر اینکه سعی گردد با استفاده از نظرات تخصصی از نقاط ضعف بازارچه‌ها کاسته شود و بر نقاط قوت آن بیفزایند و آنها را در راه رسیدن به اهدافشان که اهداف بسیار مهم و ارزشمندی است، کمک کنند.

### فهرست منابع

- احمدی‌پور، زهرا، مختاری‌هشی، حسین، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و نرگس وزین (۱۳۸۶)، بررسی روند شتاب توسعه یافتگی فضاهای سیاسی - اداری کشور (مطالعه موردی: استان‌های ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸)، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۳(۱).
- الیاسی، آرام و احمدپور، زهرا (۱۳۹۱)، نقش بازارچه‌های مرزی بر امنیت منطقه‌ای مطالعه‌ی موردی: بازارچه مرزی باشماق مریوان، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۸(۲۴).
- توفیق، فیروز. (۱۳۸۴). *آمایش سرزمین، تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.*
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *رابطه متقابل امنیت و دفاع با آمایش سرزمین، مجموعه مقالات همایش آمایش و دفاع سرزمینی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین.*
- رحمان‌فضلی، عبدالرضا و سعیدی، عباس (۱۳۹۴). *پیوستگی توسعه و امنیت مناطق مرزی؛ جستاری در مفهوم شناسی، نشریه جغرافیا، فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، ۱۳(۴۷).*
- رحیمی، حسن (۱۳۸۱). *بازتاب فضایی تحول کارکرد مرز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.*
- سعیدی، علی اصغر، اسماعیل‌زاده، خالد و جلیل‌سحابی (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی اقتصادی بازارچه‌های مرزی، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کردستان، سنندج.*
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۸). *اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران.*
- عندلیب، علی‌رضا (۱۳۷۹). *آمایش مناطق مرزی با تأکید بر ملاحظات امنیتی* ° دفاعی (مطالعه موردی خوزستان)، جلد اول، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰). نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی ستاد سپاه.

عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۸۸)، توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، نشریه باغ نظر، ۶(۱۲)، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

علمدار، اسماعیل، زرقانی، سیدهادی و هادی اعظمی (۱۳۹۳)، تحلیل نقش بازارچه‌های مرزی در گسترش امنیت مناطق مرزی (نمونه موردی: بازارچه مرزی ماهی‌رود شهرستان سریشه خراسان جنوبی)، پژوهشنامه جغرافیایی انتظامی، ۲(۸).

عبدالله‌پور، جمال (۱۳۸۴)، بررسی تجارت مرزی در روستاهای مرزنشین سردشت، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

فخرفاطمی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). نقش بازارچه‌های مرزی در تشبیت جمعیت و توسعه روستایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

قانون مقررات صادرات و واردات، مصوب سال ۱۳۴۴.

کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۲)، روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل، تهران: نشر قومس.

کریمی، مرتضی و وفايي، علی‌اکبر (۱۳۹۲). امنیت سازی با توسعه پایدار در مناطق مرزی (مطالعه موردی: شهر میوان)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۴(۱۵).

مصلی، غلامرضا (۱۳۸۲). بررسی آسیب‌پذیری‌های امنیتی شهرستان مرزی میوان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

ماهنامه بررسی‌های بازرگانی. (۱۳۷۶)، شماره ۱۱۹.

وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۱) بررسی روند تشکیل بازارچه‌های مشترک مرزی و تحلیل وضعیت فعلی آنها، کمیته فنی ستاد تنظیم اقتصادی.

وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۵). بررسی عملکرد بازارچه‌های مشترک مرزی و تبیین راه‌هایی در جهت بهبود روند مذکور و بررسی جایگزین‌های مناسب، تهران: معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی.

وزارت بازرگانی. (۱۳۷۹). تحلیلی از وضعیت بازارچه‌های مشترک مرزی از آغاز فعالیت تاکنون، معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی، دفتر پژوهش و بررسی‌های اقتصادی.

Erkut, G., & Ozgen, C. (2003), *The economic and spatial peripherality of border regions in South Eastern Europe*, The 43rd European Congress of the Regional Science Association, Jyväskylä, Finland, 27th ° 30th August.

- Erkut, G. (1997). *The Regional Technological Trans Formation of Mediterranean Settlements: The Turkish Case*, ERSA 97 Congress, Rome.
- Copus. K. A. (2001). From Core-Periphery to Polycentric Development Concept of Spatial and A spatial Perpherality , *European Planning Studies*, 9(4), Car fax Publishing.
- Linneker, B. (1997). *Transport Infrastructure and Regional Economic Development in Europe: A Review of Theoretical and Methodological Approaches. TRP133*. Sheffield: Department of Town and Regional Planning, University of Sheffield.
- Van der Veen, A., & Boot, D-L., (1995). Cross ° border Cooperation and European regional Policy. In, ed. H. Eskelinen & F. snickars, 75 - 94. Berlin: Springing.

